

بمناسبت ۲۵۰ مین زاد سال لودویگ وان بتهوون

۵۰ رویداد گیرا درباره بتهوون

هنر آفرینش‌گرانه بتهوون هم با رمانتیسم در پیوند است و هم با کلاسیسیزم، اما بخاطر فرهنگ فرهوشگی خود، این آفریدگار بهرستی پا را بهمراتب فراتر از چارچوب‌های شناسه‌های دوران خود می‌گذارد. هنر آفرینش‌گرانه بتهوون بیان سرشت بهرستی توانای او به‌شمار می‌آید.

۱. تاریخ درست به‌دنیا آمدن بتهوون ناشناخته است. گمان می‌شود، که او در تاریخ ۱۷ ماه دسامبر سال ۱۷۷۰ زاده شد.



۲. پدر آهنگساز بزرگ، خواننده آوای زیر مردانه [تنور] بود، و از کودکی به لودویگ آموخت تا موسیقی را دوست بدارد.



۳. لودویگ وان بتهوون در یک خانواده بی‌چیز بزرگ شد، ازینرو ناچار شد تا آموزش دبستانی را بگسلد.

۴. دانستگی بتهوون از زبان های ایتالیایی و فرانسوی بد نبودند، اما او زبان لاتینی را بهتر از هر زبانی فراگرفت.
 ۵. بتهوون بس شمردن و بخش کردن [ضرب و تقسیم] را نمی دانست.
 ۶. در تاریخ ۱۷ ماه ژوئن سال ۱۷۸۷ مادر آهنگساز بزرگ از دنیا رفت.



۷. پس از آنکه پدر بتهوون بیش از اندازه به نوشیدنی های الکلی گرایش پیدا کرد، آهنگساز سرپرستی خانواده را بر دوش گرفت.
 ۸. هم دوران بتهوون بر این جُستار پافشاری می کردند، که شیوه های رفتاری او می توانستند بهتر باشند.
 ۹. بتهوون دوست نداشت موهای اش را شانه کند و جامه هایی که می پوشید نابسامان بودند.
 ۱۰. چند گفتار درباره تندخویی آهنگساز به زمان ما رسیده اند.
 ۱۱. زنان بسیاری در پیرامون بتهوون بودند، اما زندگی خودی [شخصی] او سروسامان نگرفت.
 ۱۲. بتهوون سونات مهتاب خود را به جولی یتتا گوچاردی که بر آن بود تا با او پیوند زن و شوهری ببند، پیشکش کرد، اما این کار انجام نشد.



۱۳. بتهوون از ترزا برونسویک هنرآموز پیانوی خود نیز خوشش می آمد، اما میان آنان هیچ گونه پیوند مهرورزانه ای به وجود نیامد.



۱۴. پسرین‌ترین زنی که بتهوون به او همچون همسر آتی. خود می‌نگریست، بتینا برنتانو، یکی از دوستان. گوته نویسنده بود.
۱۵. در سال ۱۷۸۹ بتهوون «ترانه‌ی آدم آزاد» را نوشت و آن‌را به انقلاب فرانسه پیشکش کرد.
۱۶. در ابتدا آهنگ‌ساز سمفونی سوم را پیشکش ناپلئون بوناپارت کرد، اما هنگامی که ناپلئون خود را امپراتور خواند، بتهوون ناامید از او، نام او را پاک کرد.



۱۷. از همان دوران کودکی بتهوون دچار بیماری‌های گوناگونی بود.
۱۸. بیماری‌های آبله، سرخک و پوست در سال‌های جوانی آهنگ‌ساز را آزار می‌دادند و در سال‌های پختگی، درد بنداندام‌ها [روماتیسم]، بی‌اشتهایی و سوزش و بادگرگی جگر.
۱۹. در ۲۷ سالگی بتهوون شنوایی خود را از دست داد.
۲۰. بسیاری بر این باورند، که بتهوون شنوایی خود را به‌خاطر فروریدن سرش به‌درون آب سرد از دست داد. این کار را او از این‌روی می‌کرد، تا به‌خواب نرود و زمان بیشتری برای کار موسیقایی داشته باشد.
۲۱. پس از آن‌که آهنگ‌ساز شنوایی خود را از دست داد، ساخته‌های خود را در اندیشه می‌پروراند و موسیقی در حال ساخته شدن را با این پندار که همانی است که می‌خواهد، می‌نواخت.



- ۲۲. تماس او با مردم، با کمک برگ‌های نوشتاری، گفت‌وگویی بود.
- ۲۳. آهنگ‌ساز همه زندگی‌اش بر کشورداران و هوده‌های [قوانین] کشورداری آنان خرده می‌گرفت.
- ۲۴. پرآوازه‌ترین ساخته‌های خود را بتهوون پس از از دست‌دادن شنوایی خود نوشت.
- ۲۵. یوهان آلبرتسبرگر، آهنگ‌ساز اتریشی، یک چندی آموزگار مینوی [معنوی] او به‌شمار می‌آمد.



- ۲۶. بتهوون همواره قهوه را تنها با ۶۴ دانه قهوه دم می‌کرد.
- ۲۷. پدر لودویگ بتهوون در آرزوی آن بود تا از او موتسارت دومی بسازد.
- ۲۸. در سال‌های ۱۸۰۰ دنیا گواه زایش نخستین سمفونی‌های بتهوون بود.
- ۲۹. بتهوون به نمایندگان اشرافیت آموزش موسیقی می‌داد.
- ۳۰. یکی از پرآوازه‌ترین ساخته‌های بتهوون - «سیمفونیای شماره ۹» است. آن پس از از دست‌دادن شنوایی او نوشته شد.
- ۳۱. خانواده‌ی بتهوون دارای هفت فرزند بود که او بزرگ‌ترین آنها بود.
- ۳۲. بینندگان برای نخستین بار بتهوون را زمانی بر روی پهنه‌ی اجرایی دیدند، که او ۷ سالش بود.
- ۳۳. لودویگ وان بتهوون نخستین موسیقی‌دانی به‌شمار می‌آمد، که ۴۰۰۰ فلورین کمک هزینه‌ی زندگی دریافت می‌کرد.
- ۳۴. در همه‌ی زندگی خود، آهنگ‌ساز بزرگ تنها توانست یک نمایش آوازی بنویسد. نام آن «فیدلیو» بود.
- ۳۵. هم‌دورانان بتهوون بر این جُستار پافشاری می‌کردند، که او بر دوستی ارزش بسیار می‌گذاشت.
- ۳۶. بتهوون بیشتر هم‌زمان بر روی چند آفریده کار می‌کرد.
- ۳۷. یکی از ویژگی‌هایی که به ناشنوایی بتهوون انجامید، زنگ همیشگی در گوش‌های او بود.
- ۳۸. در سال ۱۸۴۵ در بن، شهر زادبومی بتهوون، از نخستین بنای یادبود به نشانه‌ی سپاس‌گذاری از این آهنگ‌ساز برده‌برداری شد.



۳۹. گفته می‌شود که پایه‌ی آواز بیتل‌ها، «زیرا»، از آهنگ «سونات مهتاب» بتهوون برداشته شده که از پایان به‌سوی ابتدا نواخته شده.
۴۰. یکی از دهانه‌ها بر روی کره تیر [مرکور] به یاد آهنگ‌ساز، بتهوون نامگذاری شده.



۴۱. بتهوون نخستین موسیقی‌دانی بود، که بازسازی آواهای شباهنگ [بلبل]، بلدرچین و فاخته را با کمک سازهای موسیقی آزمود.
۴۲. موسیقی بتهوون با کامیابی در نمایش روی پرده [سینما] به‌کار برده می‌شود.
۴۳. آنتون شیندلر بر این باور بود، که موسیقی بتهوون دارای شتاب و وزن سرشتین خود آهنگ‌ساز است.
۴۴. بتهوون در سال ۱۸۲۷ در ۵۶ سالگی از دنیا رفت.



۴۵. در آیین به خاکسپاری آهنگساز نزدیک به ۲۰۰۰ نفر هنبازی کردند.



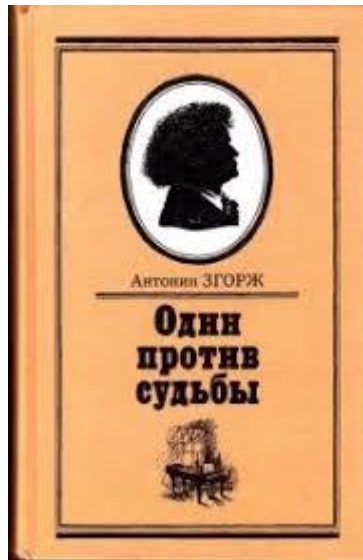
۴۶. چرایی راستین مرگ بتهوون ناروشن است.

۴۷. رومن رولان به گونه ای همه سویه، آنچه را که پزشکان کمی مانده به مرگ بتهوون برای او انجام دادند، نگاشته است. درمان او از بیماری آب‌وردگی، که از بادکردگی جگر سرچشمه گرفته شده بود انجام می‌گرفت.

۴۸. چهره‌ی بتهوون بر روی تمبرهای نامه چاپ شده.



۴۹. داستان آنتونین زگورژ، نویسنده چک بنام «یک نفر در برابر سرنوشت» درباره‌ی زندگی بتهوون است.



۵۰. لودویگ وان بتهوون در گورستان کانونی [مرکزی] شهر وین به خاک سپرده شده.



۲۵ آموزه برای خودآموزی از بتهوون

نویسنده: ملیسا چو

بازرگان آمریکایی ملیسا چو در ستونی برای مدیوم، از زندگی آهنگساز افسانه‌ای و همچنین از آن‌که، چگونه می‌توانیم از او بیاموزیم، می‌نویسد.

یکی از نامدارترین آهنگسازان همه‌ی زمان‌ها، لودویگ وان بتهوون کاری بسیار ارزشمند در گسترش موسیقی انجام داد. تا به امروز به ساخته‌های بتهوون ارج گذاشته می‌شود. او نوآور و استادی جاوید در رشته‌ی خود بود.

کارهای او همیشه روبراه نبودند. از همان سال‌های نوجوانی، او زندگی خود را برای آن گذاشت تا در کار خود بهترین باشد. و این به معنای زمان‌های [ساعات] بی‌پایان آموزش، کار شدنی [عملی] و پشت سر گذاردن بسیاری از مشکلات خود و کاری خود بود.

دو سال پس از آن، او نخستین کنسرت خود را به نمایش گذارد. در آن هنگام نیز بر آن شد تا آفریده‌های خود را بشناساند. همین کار برای او پول بسیاری به همراه آورد.

۷. از بزرگان پیروی کن

بهترین روش برای شروع - گام گذاردن در راه فرهوشان. پیشه‌ی تو می‌باشد. پس از آن‌که، داده‌هایی را که به آنها نیاز داری بخود خوراندی، آن هنگام خواهی توانست به آنها کشمشک خود را بیفزایی. بتهوون به‌گونه‌ای تنگاتنگ از هنر آفرینش‌گرانه‌ی پیشین. موتسارت و موسیقی‌ای، که برای او کارا به‌شمار می‌آمد، پیروی می‌کرد. اما پس از آن، هنگامی که بتهوون دست به‌کار بررسی روش‌های دیگر نوشتن موسیقی کرد، سبک خودش نمایان شد.

۸. از کامیابی‌های خود برتری بدست آور

هنگامی که به چیزی دست پیدا کردی، می‌توانی این پیروزی را در راه رسیدن به بلندی‌های دیگر به‌کار ببری. زمانی بتهوون برای نمایش وشک [بالت] «آفرینش پرومته» موسیقی نوشت. نمایش آن با کامیابی بسیار همراه بود. از این‌روی بتهوون زود درک کرد و ساخته‌ی خود را خود چاپ کرد. این‌کار راه را برای بالا بردن بهای برگ کنسرت‌های خود هموار ساخت.

۹. از روندها و رویدادهای پرآوازه بهره بجوی

هنگامی که بتهوون شنید، که سپاهیان دوک ولینگتون، ارتش ناپلئون را درهم‌شکستند، آهنگساز سمفونی خود را نوشت و آن را «پیروزی ولینگتون» نامید. این کار، کامیابانه از آب درآمد، آنرا برپایه‌ی نیک‌خواهانه برای گریانیان [قربانیان] جنگی اجرا کردند. این برای بتهوون به‌گونه‌ای شد که او توانست با ساخته‌های خود کارمندان [دیپلمات] و چهره‌های درجه یک کشوری را سرگرم کند. به آن چیزی که در پیرامون تو است، گوش کن؛ خواه مشتری‌یانی، تو، خواه یک رویداد یا گفت‌وگویی کارشناسانه باشد. از جُستارهای پرآوازه بهره بجوی، آن‌گاه خواهی توانست شنوندگان خود را بهتر درک کنی.



۱۰. گه‌گاه تو باید گزینشی ناخوشایند داشته باشی

هر بار، که کسی تلاش می‌کند تا کاری ناب‌هنجار [نامعمولی] انجام دهد، بدبینی بروز می‌کند. و انجام کاری شگرف به معنای انجام کاری است که دیگران آنرا انجام نمی‌دهند. بتهوون «چهارتایی‌ها - کوارتت - دیرتر» را آفرید - ساخته‌هایی که در زمان خود برداشت کمی ناب‌هنجار را به همراه داشت. یک آهنگساز آنها را همچون ساخته‌ای «ناخوانا و بهتر نشدنی» پیدا کرد. بی‌پروا از واکنش‌های ناسازگار، بتهوون کار بر روی سبک نوی موسیقی را ادامه می‌داد. این کار میوه داد. به‌زودی نگرش همگان [نسبت به این‌گونه موسیقی] دگرگون شد، و این آفریده‌های بتهوون فرتاب گر [الهام] موسیقی‌دانانی همچون ریشارد واگنر و بلا بارتوک شدند.

۱۱. اگر می خواهی دوستی داشته باشی - به سرشتِ آنان نگاه کن، نه به شمارِ آنان

دوستانِ نزدیک [راستین] در دورانِ سختی، یاری‌رسان تو هستند. در دورانِ زندگی، بتهوون در پیرامونِ خود تنها آدم‌های نزدیکِ بخود را گرد آورده بود. با دلسوزی و کمکِ آنها، آهنگساز توانست سخت‌ترین دورانِ زندگی‌اش را از سر بگذراند.

۱۲. آماده برای شکست باش

در راه برای دستیابی به پیروزی همواره فراز و نشیب‌هایی پدیدار می‌شوند. بجای آن‌که، دست‌ها را به نشانه تسلیم بالا ببری، آماده برای پذیرشِ آنان باش. هرچند که بتهوون در همه‌ی زندگی‌اش نامدار بود، پیش می‌آمد، که کارهای او نه آن‌گونه که باید درک می‌شد، و بخاطر مشکلاتِ خودی و خانوادگی آهنگساز ناچار می‌شد تا بیش و کم زندگیِ بخور و نمیری داشته باشد.

۱۳. برتری خواهی‌های تو همواره جهش پیدا می‌کنند

هنر آفرینش‌گرانه‌ی بتهوون را به سه دوران بخش می‌کنند: نخستین، میانی و پسین. در هر یک از این دوران‌ها، او زیرِ هنجایش [تحت تأثیر] آدم‌های گوناگون بود. روندِ رویش و خودگسترده‌گی نیز بر سبکِ آهنگساز کارا بود. با گذرانِ زندگی، دیدگاه‌های ما به زندگی و کار دگرگون می‌شوند. پیرامونِ ما در آیشِ برجسته‌ای بر روی این پدیده می‌گذارد.

۱۴. کارشناسان، دانسته‌های خود را با دیگران در میان می‌گذارند

این گفته را شنیده‌اید که «به آنهایی که نمی‌توانند با دیگران هم‌بهره [سهیم] شوند، باید یاد داد؟» بتهوون بیش و کم به بچه‌ها یاد می‌داد بزرگوار باشند، تا آن‌که به زورِ خود بی‌الند. این یک راهبردِ برد - برد به‌شمار می‌آمد: بتهوون تواناییِ هم‌بهره‌سازیِ دیگران از دانسته‌ها و دستاوردهای خود را داشت، و دانشجویان در این زمان، در نواختن پیانو و ویولون چیره‌دست‌تر می‌شدند. انگیزه‌ی دیگر آن است که نشان می‌دهد، آموختن، میوه بیار می‌آورد.

۱۵. آنچه که ما انجام می‌دهیم، صد برابرِ آن سپس به خود ما باز می‌گردد

بتهوون با آموزگارِ سربلندِ آتی، کارل چرنی کار می‌کرد [به او آموزش می‌داد]. ده‌سال پس از آن، چرنی در وین اجرایِ نخستِ کنسرتِ پیانوی پنجمِ بتهوون را به‌نمایش گذارد. از این‌روی حتی اگر شما نمی‌توانید انگیزه‌ای برای آموزگار بودن داشته باشید، این نمونه‌ای بسیار آموزنده در این‌باره است، که هنگامی که تو دیگران را از چیزی بهره‌ور می‌سازی، همواره بیش از صد برابر پاداش این کار را دریافت خواهی کرد.



۱۶. هنگامی که تو استاد در گسترده‌ی جهان شدی، کار تو، سرشت تو می‌شود

در ابتدا همه چیز سخت دیده می‌شود. و هر اندازه که کار شود، در آیش. آسان‌شوندگی و خودکارگی روی می‌دهد. در نوجوانی، هنگامی که بتهوون هنوز تندرست بود، سخت‌کوشانه دانش انگاره‌ای موسیقی و بویژه چیدمان ملودی [آهنگ] سازی را یاد می‌گرفت. با از دست دادن نیروی شنوایی خود، او به ساختن موسیقی ادامه داد، بدون آن‌که بتواند آنرا بشنود. در آن هنگام او نیازی به شنیدن آن نداشت. او با تکیه بر یادداشت‌های خود می‌دانست، که موسیقی‌اش چه آوایی خواهد داشت.

۱۷. خود را فرحوش بخوان و بسوی فرحوش شدن برو

از آنجایی که پدر بتهوون آن‌هم در دوران کودکی‌اش در او یک فرحوش آتی می‌دید، روی او بسیار سرمایه‌گذاری کرد، تا این پیش‌گویی. او درست از آب دربیاید. هنگامی که تو دارای امیدهایی این‌چنین هستی، همین نیز به‌تو این بی‌باکی را می‌دهد تا خود را با این‌گونه امیدها همسان سازی.

۱۸. بر پیش‌آمدها از پیش بنگر

اگر بتهوون هنر آفرینش‌گرانه را کنار می‌گذاشت، زندگی آسوده‌ای به‌دست نمی‌آورد. بر آهنگ‌ساز بارها با انگیزه‌های بدخواهانه، نادادگری رواداشتند. زندگی پر از چیزهایی است، که به‌تو بستگی ندارند. اما این نباید سدی برای خودگستری تو باشد.

۱۹. به مردم نشان بده، که چه برخورداری با تو داشته باشند

بتهوون خواستار نگرورزی بسیار بود. هنگامی که شنوندگان و بینندگان شروع به گفت‌وگو با یکدیگر می‌کردند یا از کانون‌گرایی [تمرکز] دست می‌کشیدند، او می‌توانست بسیار ساده دست از نوازندگی بکشد. او همچنین، اگر در میان نواختن موسیقی یک نفر به‌ناگهان او را آوا می‌داد [صدا می‌کرد]، از نواختن خودداری می‌کرد. هنگامی که او پشت ساز خود می‌نشست، همه چیز می‌بایست به خواست او باشد. اگر می‌خواهی، با تو رفتار شایسته‌ای شود، این‌را با رفتار خود نشان بده؛ این که چه می‌خواهی. و پس از این دیگران این را به دیده خواهند داشت.

۲۰. مردم نیاز به هیجان دارند

مبارزه‌ی درونی بتهوون برای او انگیزه برای ساختن آفریده‌های موسیقیایی هیجان‌آمیز شد، در میان آنان سونات پرآوازه «مهتاب».. راستینگی‌ها کالا به‌شمار می‌آیند. اما مردم به هیجانان پاسخ می‌دهند.

۲۱. پول، آرمانی بنیادین به‌شمار نمی‌آید

موسیقی، شور و دل‌بستگی. بنیادین در زندگی بتهوون به‌شمار می‌آمد. موسیقی سرپرست او بود و از او می‌خواست تا آهنگ‌های هر چه بیشتر به‌یاد ماندنی و هیجان‌آور بیافریند. پول برای آهنگ‌ساز جای دوم را پر می‌کرد. روشن است که پول ارزشمند است. هر کس برای آن‌که بتواند زندگی و کار کند، نیاز به پول دارد. برای آن‌که آن‌را به دست آورد، بیش از همه باید شایستگی خود را فرمود [ثابت] کرد.

۲۲. بهترین راه برای کامیاب شدن، زایا بودن است

آیا بتهوون نخستین باری که پشت پیانو نشست، پیش‌بینی می‌کرد که، آفریده‌های او صدها سال زنده می‌مانند؟ به گمان بسیار، نه. اما، او در درازای زندگی‌اش به هنر خود می‌بالید. این چیزی روشن است: تلاش برای کوتاه ساختن راه برای دستیابی به پیروزی، و هر گام به‌سوی آن نیاز به جانبازی و تاب‌آوردگی دارد.

۲۳. زود شروع به کار کن

نخستین کنسرت خود را بتهوون در سال ۱۷۷۸ داد. در آن هنگام او ۷ سال داشت. بله، برای شروع، هیچگاه دیر نیست. اما بهتر از هر چیز آن است که تا آنجا که می‌شود زود گام به این راه گذاشت، زیرا روند خودساختگی، نیاز به سال‌های بسیار دارد.

۲۴. از کمک دستیاران هراس مکن

هنگامی که بتهوون با رسانه‌ها سروکار پیدا کرد و سرگرم سازماندهی برخی کارها شد، او از برادر خود، کارل درخواست کمک کرد. کارل بر هنر آفرینش‌گرانه‌ی آهنگساز بها می‌گذاشت [قیمت تعیین می‌کرد] و لودویگ را به برگردان پرآوازه‌ترین آهنگ‌هایش برای سازهای دیگر می‌پذیراند. اگر از کاری سردر نمی‌آوری، بد نیست، که آدمی را بیابی، که کار ترا راه بیندازد - و در این هنگام تو می‌توانی بر روی کار خود کانون گرایبی [تمرکز] کنی. اگر در میان خویشاوندان تو هماهنگ‌کنندگان درخور پیدا نمی‌شوند، تو همواره می‌توانی از آدمی بیرون از پیرامون خویشاوندان خود درخواست کمک کنی.



۲۵. تو همواره می‌توانی پیشرفت کنی

زمانی بتهوون گفت: «من از کاری که تاکنون انجام داده‌ام، ناخوشنودم. از این پس من راهی دیگر را برمی‌گزینم». اگر بتهوون بر این اندیشه بود، که می‌تواند بهتر کار کند، پس هر یک از ما باید برای رسیدن به فریختگی تلاش کنیم.

برگردان از زبان روسی بزبان پارسی
۱۱ ماه اوت سال ۲۰۲۰ - برلین